

کنش مسئولانه در فرایند جامعه‌پذیری زیست‌محیطی

رامین مرادی^۱، ایمان خشت زر^۲، مریم مختاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳

چکیده

در این تحقیق وضعیت و فرایند رفتار مسئولانه زیست‌محیطی مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از روش پیمایش، داده‌های مورد نیاز تحقیق از تعداد ۴۰۰ نفر نمونه از بین جامعه آماری پژوهش که شامل شهروندان بالای ۱۸ سال شهر یاسوج بودند به روش نمونه‌گیری تصادفی جمع‌آوری شد. تحلیل یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد، میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان شهر یاسوج نسبت به محیط‌زیست در حد متوسط بود. در بخش یافته‌های استنباطی، رابطه مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، به‌عنوان متغیر وابسته، با سایر متغیرها (جامعه‌پذیری زیست‌محیطی دین‌داری و آگاهی زیست‌محیطی)، به‌عنوان متغیر مستقل، مورد سنجش قرار داده شد. نتایج نشان داد بین متغیرهای جامعه‌پذیری، آگاهی زیست‌محیطی و دین‌داری با متغیر وابسته (مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی) رابطه معنادار وجود دارد. به‌این‌صورت که هرچه افراد از آگاهی زیست‌محیطی بیشتر و جامعه‌پذیری و دین‌داری قوی‌تری برخوردار باشند، نسبت به محیط‌زیست مواجهه مسئولانه‌تری داشتند. نتایج همچنین نشان داد با افزایش سن و تحصیلات پاسخگویان، میزان مسئولیت‌پذیری آنها افزایش می‌یابد. از نظر جنسیت نیز تفاوت معناداری بین زنان و مردان مشاهده شد، به‌این‌صورت که زنان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی بیشتری نسبت به مردان نشان دادند. در تحلیل نهایی، به این نکته اشاره شد که تغییر رفتار شهروندان و شکل دادن رفتار مسئولانه مستلزم قرار دادن این شکل از رفتار ذیل فرایند جامعه‌پذیری و توجه نهادهای جامعه‌پذیری به این بعد از رفتار شهروندان است. نهادهای جامعه‌پذیری با درک اهمیت نقش محیط‌زیست در زندگی انسان، می‌توانند با برنامه‌ریزی و تولید محتوای مناسب مرتبط با محیط‌زیست، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار مسئولانه شهروندان نسبت به محیط‌زیست ایفا نمایند.

واژگان کلیدی: مسئولیت‌پذیری، دین‌داری، جامعه‌پذیری، شهروندی، محیط‌زیست، یاسوج.

^۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول): rmoradi@yu.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج: i.kheshtzar@gmail.com

^۳. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج: mokhtari1380@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، محیط‌زیست مسئله‌ای جهانی تلقی شده و با ابعاد زیستی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کانون توجهات ملی و بین‌المللی قرار گرفته است. گرمایش زمین، افزایش آلاینده‌های محیطی، افزایش بیماری‌ها، خشک‌سالی، کمبود منابع آبی و... بخشی از آثار مشهودی هستند که کشورهای مختلف با تمام یا بخش از آنها مواجه هستند. تأسیس سازمان‌های ملی و بین‌المللی و برگزاری نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و دعوت و تأکید این مجامع بر ضرورت همکاری درخصوص کاهش مشکلات زیست‌محیطی نشان از اهمیت و جدی‌بودن مسائل زیست‌محیطی دارد. هرچند در ایران، مسائل محیط‌زیست تا دو سه دهه اخیر محدود و منحصر به آلودگی کلان‌شهرها و تا حدودی امری «فانتزی» تلقی می‌شد، اما در سال‌های اخیر، محیط‌زیست و مسائل مربوط به آن خود را به اشکال مختلف به زندگی شهروندان تحمیل کرده و موجب نگرانی شهروندان شده است. مطالعات و مقایسه‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که ایران درخصوص شاخص‌های محیط‌زیست با چالش‌های جدی مواجه است. بنابر ارزیابی دانشگاه ییل و کلمبیا در سال ۲۰۱۴، از بین ۲۲ فاکتور مورد مطالعه ازجمله منابع آب، آلودگی هوا، تنوع زیستی و تغییرات آب و هوایی رتبه ایران از بین ۱۷۸ کشور مورد مطالعه در جایگاه ۸۳ قرار گرفت (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۱۱۱) که نشان می‌دهد بحران محیط‌زیست در ایران جدی و قابل توجه است. علاوه بر آمارها و گزارش‌های جهانی، واقعیت‌های ملموس در ایران نیز مؤید بحران‌های جدی زیست‌محیطی است. برای نمونه، اگر بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و مشکلات مربوط به آن تصویری خیالی برای شهروندان در اقصی نقاط کشور ایجاد می‌کرد، امروزه بحران ریزگردها پدیده‌ای فراگیر شده و کمتر نقطه‌ای از کشور از اثرات آن در امان مانده است. همچنین بحران کم‌آبی و خشک‌سالی با دامنه گسترده‌ای از تأثیرات ملموس اثری عینی و جدی بر زندگی ایرانیان به‌جا گذاشته است. هرچند بحران‌های مورد اشاره در بیشتر نقاط ایران ملموس و تجربه شده هستند، در بخش‌هایی از ایران، ازجمله زاگرس جنوبی و مرکزی، این بحران‌ها صورتی پیچیده‌تر دارند و با توجه به کم‌برخورداری و توجه کم‌تر به توسعه برخی استان‌های واقع در این منطقه، مسائل زیست‌محیطی حاد و تا حدی بحرانی جلوه کرده‌اند. بحران ریزگردها در جنوب غرب ایران، کم‌آبی و انتقال آب از سر شاخه‌های کارون و مهم‌تر از آن

نابودی منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها از جمله بحران‌های خاص منطقه زاگرس به‌شمار می‌روند. مثلاً، می‌توان به آتش‌سوزی‌های متعددی اشاره کرد که طی سال‌های اخیر، بخش زیادی از درختان کهن‌سال بلوط را، که نقش زیادی در زندگی و زیست ساکنان این مناطق دارد، از بین برده است.

یکی از شهرهای منطقه زاگرس‌نشین شهر یاسوج است که در سال‌های اخیر، با مشکلات زیست‌محیطی فراوانی مواجه بوده است. طبق گزارش‌های سازمان حفاظت از محیط‌زیست استان کهگیلویه و بویراحمد، از سال ۹۴ تا ۹۶، تعداد ۳۸ فقره آتش‌سوزی در عرصه‌های جنگل و مرتع شهرستان بویراحمد به‌وقوع پیوست که منجر به نابودی بیش از ۹۰۰ هکتار^۱ از منابع طبیعی استان شد. در همین دوره، بیش از یک‌هزار و ۵۶۱ هکتار از اراضی ملی و طبیعی استان را افراد سودجو تصرف کرده‌اند. از مجموع ۷۹ گونه جانوری در معرض خطر تهدید در سطح کشور، ۱۲ گونه در استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد. از ۲۴۲۸ گونه گیاهی که در سطح کشور در معرض خطر تهدید هستند، پنج گونه در طبیعت شهرستان یاسوج می‌رویند. همچنین سرانه تولید زباله در یاسوج یک کیلو و ۳۰۰ گرم بوده که میزان استاندارد آن کمتر از ۸۵۰ گرم است؛ حجم انبوهی از زباله‌ها به روش نامناسب سوزانده می‌شود که سبب ایجاد آلودگی در طبیعت می‌شود. علاوه‌براین موارد، بهره‌برداری بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و از بین بردن گیاهان دارویی در فصل بهار و تابستان نیز از جمله اقداماتی هستند که محیط‌زیست شهر یاسوج را در معرض آسیب قرار داده‌اند. شکل‌گیری چنین وضعیتی بیشتر به ضعف در ساختارهای کلان مدیریتی و برنامه‌ریزی نسبت داده می‌شود که تا حد زیادی، درست می‌باشد، اما نکته قابل توجه، غفلت از این نکته است که حفظ محیط‌زیست وظیفه‌ای همگانی است. در این راستا، اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صریحاً به مسئولیت شهروندان در قبال محیط-زیست اشاره و متذکر می‌شود که حفاظت از محیط‌زیست یک وظیفه عمومی تلقی می‌گردد و همه شهروندان جامعه در مقابل حفاظت از محیط‌زیست مسئول‌اند. همه موارد مورد اشاره نظیر تهدید منابع و اراضی تولید بالای سرانه زباله، مصرف سوخت و نظیر آن علاوه‌بر ضعف در مدیریت و نظارت، از رفتار شهروندان در این خصوص ناشی می‌شود. وجود زمینه بروز رفتار

^۱. <https://kb.doe.ir/Portal/Home/default.aspx>

مسئولانه می‌تواند شرایطی غیر از آنچه ذکر شد را رقم بزند. بنابراین، رفتار مسئولانه یا مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست عاملی قابل توجه در تغییر وضعیت موجود است. شکل-گیری رفتار مسئولانه نسبت به محیط‌زیست مسئله‌ای قابل توجه است که در صورت به‌وجود آمدن آن می‌توان انتظار داشت که شهروندان وظیفه خود در قبال محیط‌زیست انجام دهند و موجب تشدید تخریب آن نگردند. در این خصوص، مانتوو و مانتوا^۱ (۲۰۱۵) معتقدند مسئولیت-پذیری عاملی مهم در جلوگیری و تخریب محیط‌زیست بشر است. از مفهوم مسئولیت‌پذیری تعاریف و برداشت‌های مختلفی صورت گرفته است که می‌توان به تعریف کلمز و بین (۱۹۸۰)، پویمن^۲ (۲۰۰۵)، ساکا^۳ و همکاران (۲۰۰۹) اشاره کرد که در مجموع هریک به‌نوعی بر این نکته تأکید دارند که مسئولیت‌پذیری مفهومی است که می‌تواند ابزار مناسبی برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود و فهم آنها باشد. هرچند مسئولیت‌پذیری از منظر اجتماعی پدیده‌ای فراگیر و عام است و وجود آن می‌تواند در زندگی اجتماعی مفید و مؤثر باشد، مسئولیت‌پذیری در خصوص محیط‌زیست ناظر بر این موضوع است که اصول و معیارهایی بر روابط انسان و طبیعت حاکم باشد که مانع آسیب رسیدن به محیط زیست و طبیعت شود. این اصول و معیارهای تعیین‌کننده نگرش و رفتار انسان‌ها در خصوص محیط‌زیست هستند. در همین راستا، ضرورت دارد نحوه شکل‌گیری این نوع مسئولیت‌پذیری (احساس مسئولیت نسبت به محیط‌زیست) مورد بررسی قرار گیرد. وضعیت محیط‌زیست و روند تخریب آن مستلزم توجه به ابعاد مختلفی از جمله بعد اجتماعی است که در این تحقیق وضعیت مسئولیت-پذیری شهروندان یاسوج کانون بررسی می‌باشد. برای تبیین روند کنونی و تغییرات احتمالی وضعیت محیط‌زیست شهر یاسوج لازم است وضعیت مسئولیت‌پذیری شهروندان نیز مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر، با توجه به تأکید پیشین بر نقش عوامل مدیریتی و اجتماعی در حفظ محیط زیست، در این پژوهش با تأکید بر عوامل اجتماعی، خاصه مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی شهروندان، به بررسی وضعیت و نحوه شکل‌گیری این نوع مسئولیت‌پذیری می-پردازیم. در این راستا، عواملی نظیر جامعه‌پذیری، آگاهی زیست‌محیطی، وضعیت دین‌داری و

1. Mantatov & Mantatova

2. Pojman

3. Saka

برخی متغیرهای زمینه‌ای که به‌نظر می‌رسد می‌توانند در وضعیت و نحوه شکل‌گیری مسئولیت-پذیری زیست‌محیطی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. برای این منظور، ضمن طرح پرسش‌هایی نظیر: شهروندان یاسوج نسبت به محیط‌زیست تا چه حد مسئولیت‌پذیر هستند؟ این نوع مسئولیت‌پذیری متأثر از چه عواملی (اجتماعی، سنی، جنسیتی، تحصیلی و...) است؟

پیشینه تجربی

تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق را می‌توان از دو منظر دسته‌بندی کرد. یک دسته از تحقیقات به بررسی رفتار زیست‌محیطی می‌پردازند که بیشتر مقوله‌هایی نظیر سن، جنس، تحصیلات، شهری یا روستایی بودن و نظایر آن را بررسی کرده‌اند. دسته دیگری از تحقیقات، به‌صورت مشخص به بررسی عوال مؤثر بر رفتار مسئولانه نسبت به محیط‌زیست پرداخته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

صالحی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «مطالعه نقط نظرات و رفتارهای زیست محیطی در ایران» به این نتیجه رسید که گروه‌های سنی مختلف، رفتارهای زیست‌محیطی متفاوتی را نشان می‌دهند. درهمین راستا، تحقیق صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۰) با عنوان «مطالعه تجربی آگاهی و رفتار زیست‌محیطی» نشان می‌دهد که بین محل سکونت، وضعیت تأهل، گروه‌های سنی و آگاهی‌های زیست‌محیطی با رفتار زیست‌محیطی ارتباط وجود دارد. ضیاپور و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش «بررسی رفتارهای زیست محیطی شهروندان کرمانشاه» نشان داده‌اند که رفتارهای شهروندان نسبت به محیط‌زیست مسئولانه و میانگین این رفتارها برحسب جنسیت متفاوت نبوده درحالی‌که این تفاوت برحسب سن و تأهل معنادار بود. مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق «رفتارهای زیست‌محیطی شهری شهروندان» نشان دادند که افراد مسن و زنان رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه‌تری دارند.

حبیبی (۱۳۹۳) در بررسی «سنجش عوامل اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر رفتار زیست‌محیطی» به این نتیجه رسید که بین آگاهی زیست‌محیطی، سن، تحصیلات با رفتار زیست‌محیطی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش هرکدام از این متغیرها رفتار زیست‌محیطی بیشتر و مسئولانه‌تر می‌شود. همچنین بین زنان و مردان و محل سکونت از لحاظ رفتار زیست‌محیطی، تفاوت معناداری وجود دارد. زنان و افراد ساکن در روستا، رفتار مسئولانه‌تری دارند. درنهایت،

تحلیل ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از تغییرات رفتارهای زیست‌محیطی را متغیرهای مستقل تبیین می‌کنند.

صالحی و پازوکی نژاد (۱۳۹۳) در «بررسی نگرش و رفتار مسئولانه دانشجویان نسبت به محیط‌زیست» به این نتیجه رسیدند که نگرش و رفتار زیست‌محیطی برحسب جنسیت با هم متفاوت است. درحالی‌که متغیر نگرش زیست‌محیطی بر حسب محل سکونت و دانشکده یکسان است، اما در مقابل، متغیر رفتار زیست‌محیطی برحسب محل سکونت و دانشکده متفاوت است. درهمین راستا، ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۲) در «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران» به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق اجتماعی، آموزش و آگاهی، ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای محیط‌زیستی مؤثر هستند اما با توجه به یافته‌های این تحقیق نشان داده شده که متغیر هنجارسازی بر حفظ محیط‌زیست تأثیری ندارد. بادسار و قاسمی (۱۳۹۲) در پژوهش «بررسی عوامل مؤثر بر احساس مسئولیت نسبت به محیط‌زیست» به این نتیجه رسیدند که متغیرهای خانواده و رسانه دارای اثر مستقیم مثبت و معنی‌داری بر احساس مسئولیت نسبت به حفاظت محیط‌زیست می‌باشند. رستگار و بیرقدار (۱۳۹۴) در پژوهش «بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی در حفاظت از محیط‌زیست (موردبررسی و مطالعه دانش‌آموزان دبیرستانهای شیراز)» نشان دادند که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی در دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین دانش‌آموزان دختر و پسر در رفتارهای زیست‌محیطی تفاوت وجود دارد. کلاتری و همکاران (۱۳۹۵) در «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تعلق‌مندی نسبت به محیط‌زیست» نشان دادند که روابط دو متغیره بین ارزش‌های زیست‌محیطی، تجربه ارتباط با طبیعت، جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و دین‌داری با متغیر وابسته، قابل تأیید و تعمیق هستند.

فریدگن^۱ (۱۹۹۴) در پژوهش «گرایش افراد به تهدیدات محیطی (گازهای گلخانه‌ای، آلودگی آب، کمبود آب)» میزان مسئولیت شخصی شهروندان برای هرکدام از این تهدیدات را ارزیابی کرد و نشان داد که مردم تمایل دارند که خود را مصون از خطرهای محیطی بدانند، اما احساس مسئولیت کمی در قبال این تهدیدها می‌کنند.

^۱. Fridgen

کروسنیک و همکاران^۱ (۲۰۰۵) در پژوهشی روی ۱۴۰۰ نفر از آمریکاییان بین سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸، نشان داد که اکثر آنها (۷۷ درصد) گرم شدن زمین را باور دارند، باوجود این، ۵۹ درصد از آنها گفته‌اند که دولت آمریکا باید کاری برای این مسئله انجام دهد و رقمی کمتر از آن، یعنی تنها ۴۴ درصد، بیان داشته‌اند که مردم باید اقدامی در این زمینه انجام دهند.

بار^۲ (۲۰۰۷) در تحقیق «عوامل مؤثر بر نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی» نشان داده است که آگاهی زیست‌محیطی و شناخت مسائل آن در بهبود رفتارهای زیست‌محیطی مؤثر است.

یلدیز^۳ و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «الگوی چندگانه: انگیزه، توانایی، فرصت و رفتار» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که رفتار زیست‌محیطی افراد متأثر از چه عواملی است. نتایج تحقیق آنها نشان داد رفتار زیست‌محیطی افراد علاوه بر انگیزه و فرصت از توانایی‌های فردی نظیر دانش و آگاهی اثر می‌پذیرد.

بودروک^۴ و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق «مطالعه نگرش‌های زیست‌محیطی» به این نتیجه رسیدند که اثرات مثبت مشارکت اجتماعی سبب به وجود آمدن کنش‌ها و رفتارهای مثبت می‌شود. در نتیجه این فرایندها، رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در قبال محیط‌زیست صورت می‌گیرد.

گیبرت^۵ (۲۰۱۴) در تحقیق خود با عنوان «بازیافت زباله: تأثیر دانش، نگرش و رفتار زیست‌محیطی» به بررسی تصورات مردم نسبت به بازیافت زباله در کرواسی پرداخت. نتایج نشان داد که نگرش کلی درباره محیط‌زیست به‌طور معناداری، بالاتر از رفتار بازیافت و نیز شناخت روش‌های بازیافت بود. این حاکی از آن بود که مردم از هزینه‌های پنهانی مدیریت ضعیف زباله آگاه هستند اما بین این نگرش‌ها و رفتار واقعی (بازیافت زباله) گسست وجود داشت که ناشی از عامل مطلوبیت اجتماعی این امر بود. بین شناخت روش‌های بازیافت و رفتار بازیافت نیز رابطه قوی و مثبت دیده شد. رفتار بازیافت برحسب جنسیت و سطح تحصیلات متفاوت بود به این معنا که زنان مراقبت بیشتری نسبت به مردان داشتند که نگرش‌های جنسیتی را بازتاب می‌دهد. در مورد نگرش‌های زیست‌محیطی پاسخگويانی که تحصیلات

^۱. Krosnick et al

^۲. Barr

^۳. Yildiz

^۴. Budruk

^۵. Gebert

دانشگاهی داشتند، شناخت بهتری نسبت به روش‌های بازیافت داشتند درحالی‌که با کاهش سطح تحصیلات این روند نیز معکوس می‌شد.

تحقیقات پیشین اگرچه به بررسی ابعاد مختلف رفتار مسئولانه زیست‌محیطی پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک به صورت کامل، متغیرهای مورد نظر پژوهش حاضر را مدنظر قرار نداده‌اند و بخش زیادی از آنها درصدد شناسایی رفتار زیست‌محیطی به مدد متغیرهای زمینه‌ای بوده‌اند. به علاوه تحقیقات مذکور و نتایج آنها در رابطه با وضعیت مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست متناسب با بافت فرهنگی و اجتماعی زمینه تحقیق مورد نظر پژوهشگر بوده و جنبه خاصی از مسئولیت‌پذیری شهروندان در قبال محیط‌زیست (برای مثال، مصرف انرژی و یا مصرف زباله و...) را بررسی کرده‌اند و هرکدام یک یا دو مورد از متغیرهای مدنظر تحقیق حاضر را بررسی کرده‌اند. لذا تحقیق حاضر، درصدد است تا نگاهی کامل‌تر به مسئولیت‌پذیری شهروندان و محیط‌زیست و شناسایی مهم‌ترین عامل در گرایش شهروندان به سمت مسئولیت‌پذیریشان در قبال محیط‌زیست بیندازد و متغیرهای تأثیرگذار بیشتری را مدنظر قرار دهد. ازجمله این متغیرها می‌توان به جامعه‌پذیری، مشارکت و آگاهی زیست‌محیطی اشاره کرد که در هیچ‌یک از تحقیقات مذکور مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

چارچوب نظری

در این تحقیق، ضمن استفاده از مفاهیم و دیدگاه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک نظیر دورکیم و وبر، که بیشتر به کنش‌های انسانی و نحوه مواجهه کنشگران با جهان اجتماعی و نحوه تغییر در این کنش‌ها پرداخته‌اند، دیدگاه‌هایی که به صورت مستقیم، به مسائل محیط‌زیستی نظیر نگرش، آگاهی، مشارکت و... پرداخته‌اند نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ازجمله این دیدگاه‌های نظری می‌توان به رفتار بوم‌گرای فیتکو^۱ و کسل^۲، مدل کنش عقلانی ایزن^۳ و فیشباین^۴، رویکرد فرهنگی تومه^۵ اشاره کرد که از این دیدگاه‌ها به صورت تلفیقی، برای ساخت چارچوب نظری استفاده شده است. توضیح اینکه فیتکو و کسل در مدل رفتار بوم‌گرایی خود، معتقدند که ارزش -

^۱. Fietkau

^۲. Kessel

^۳. Aizen

^۴. Fishbin

^۵. Tomme

های زیست‌محیطی تحت‌تأثیر نظام‌های خرد (مانند دوستان و همسایه‌ها) سیستم‌های بیرونی (رسانه و سازمان‌های سیاسی) و نظام‌های کلان (شرایط فرهنگی) به‌وجود می‌آیند. این مدل نشان می‌دهد که فیتکو و کسل ضمن تأکید بر راه‌های شکل‌گیری ارزش‌های زیست‌محیطی از طریق نظام‌های خرد و کلان و همچنین سیستم‌های بیرونی، معتقدند که این ارزش‌های افراد هستند که منتج به رفتار زیست‌محیطی می‌شوند و با عواملی بیرونی و درونی تشویق و تقویت می‌شوند. آنها برای نشان شکل‌گیری ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی توجه ما را به سمت تجربیات روزانه زندگی، که سبب شکل‌گیری محیط‌زیست‌گرایی فعال می‌شود، جلب می‌نمایند و بر این عقیده هستند که این افراد فعال کسانی هستند که حساسیت محیط‌زیستی بسیار بالایی دارند و درکنار علاقمندی به یادگیری در مورد محیط‌زیست، دغدغه‌های زیست‌محیطی دارند و برای حفظ آن تلاش می‌کنند (احمدیان، ۱۳۹۵: ۵۷). از نظر ایزن و فیشباین، تمامی شهروندان به‌صورت منطقی عمل می‌کنند. آنها برای رسیدن افراد به کنش عقلانی سازه‌هایی را مشخص کرده‌اند. سازه اول مورد نظر آنها نگرش نسبت به رفتار (نگرش زیست‌محیطی) است که به‌معنای احساس مثبت یا منفی نسبت به رفتار است؛ و سازه دوم مورد نظر آنها هنجارهای ذهنی (جامعه‌پذیری) است که به این معناست که افراد برای انجام رفتار زیست‌محیطی تحت‌تأثیر افراد مختلفی در جامعه از جمله پدر، مادر، همسالان، رهبران دینی و غیره هستند و متأثر از آنها اقدام به رفتار مسئولانه در قبال محیط‌زیست می‌کنند (فروتن‌کیا و نواح، ۱۳۹۵: ۲۵۷). بری^۱ (۲۰۰۹) بر این باور است که مشکلات زیست‌محیطی بیشتر ناشی از ضعف عملی جمعی است. زمانی می‌توان از این مشکلات خلاص شد که عمل فردی بالقوه به‌صورت عمل جمعی درآید. هاینس در سال ۱۹۸۶، به همراه هانگرفورد و تومرا مدلی را تحت عنوان رفتار محیط‌زیستی مسئولانه که برگرفته از نظریه رفتار طراحی شده ایزن و فیشباین و در نتیجه یک فراتحلیل از ۱۲۸ مطالعه تحقیقی از رفتارهای محیط‌گرایانه بود را ارائه کردند. آنها در نتیجه این فراتحلیل، متغیرهای مورد نظر مدل خود را در ارتباط با رفتارهای محیط‌گرایانه مسئولانه استخراج کردند. این متغیرها عبارت‌اند از: دانش مسائل، دانش استراتژی کنش، منبع کنترل، نگرش‌ها و التزام زبانی، احساس تعهد فردی (همان: ۲۶۱). تومه نیز، در مقام نویسنده‌ای محیط‌گرا، معتقد است که میزان احترام

^۱. Barry

شهروندان هر جامعه به اخلاق محیطی و حفاظت از محیط طبیعی، ازجمله معیارهای سنجش میزان توسعه فرهنگی در آن جامعه محسوب می‌شود. تومه معتقد است که فرهنگ و جامعه باهم در تعامل هستند و فرهنگ هدایت‌کننده عملکرد افراد جامعه است. با تغییر فرهنگ، می‌توان رفتار مردم را تغییر داد اما فرهنگ فقط یک عامل یا یک واژه و عبارت نیست، بلکه دنیای گسترده‌ای است. فرهنگ متشکل از عاداتی است که در زمان شکل گرفته‌اند و مردم مطابق آنها رفتار می‌کنند (تومه، ۱۳۸۰: ۵). تومه معتقد نیست که باید توسعه مادی را متوقف کرد، بلکه باید با پذیرش اخلاق محیطی، به توسعه بعد فرهنگی بخشید. هدف نهایی آموزش‌ها و اخلاق محیطی، ایجاد تقویت رفتار ایده‌آل محیطی است. بین محیط‌زیست و توسعه فرهنگی ارتباط متقابل وجود دارد. اگر توسعه دارای بعد فرهنگی باشد، بهتر می‌توان از محیط‌زیست حفاظت کرد و اگر محیط‌زیست محافظت شود، این عمل سبب تقویت هویت فرهنگی خواهد شد. بدین ترتیب، هدف نهایی مترادف ساختن فرهنگ با توسعه است (همان: ۱۳).

فرضیه‌ها

۱. بین آگاهی زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین دین‌داری و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه معنادار وجود دارد.
۴. بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و...) و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش پیمایشی استفاده شده است. همچنین ابزار مورد استفاده در این تحقیق، برای گردآوری داده‌های میدانی پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهر یاسوج می‌باشد که تعداد آنان طبق آخرین سالنامه آماری، ۱۳۴ هزار و ۵۳۲ نفر می‌باشد. نمونه با توجه به جامعه آماری شامل ۳۸۳ نفر است که از طریق فرمول کوکران با درجه اطمینان ۹۵ درصد انتخاب شده است. جهت بالا رفتن اعتبار داده‌ها ۱۷ نفر دیگر به حجم نمونه اضافه می‌شود. بنابراین، حجم نهایی نمونه ۴۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه-

گیری در تحقیق حاضر، روش تصادفی سیستماتیک از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. فرایند نمونه‌گیری به این شکل است که ابتدا با استفاده از نقشه جامع شهر یاسوج، نواحی شهرداری آن مشخص گردید. در گام بعد، محلات هر ناحیه از بین ۳۴ محله، ۱۶ محله مشخص شد. در مرحله نهایی کوچه‌ها، بلوک‌ها و خوشه‌های هر کدام از محلات مشخص و جمعیت نمونه براساس آنها مشخص گردید. به‌منظور سنجش درونی گویه‌ها از روش آلفای کرونباخ، که از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری است، استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ برای متغیر دین داری ۰/۸۲۱ و متغیر جامعه‌پذیری ۰/۷۴۳ بوده است. اعتبار ابزار سنجش نیز براساس توافق صاحب‌نظران تأیید شد.

تعریف مفاهیم

- **مسئولیت‌پذیری:** تعهد و مسئولیتی است که فرد نسبت به خودش (عقاید، ارزش‌ها، وظایف شکلی و خانواده)، دیگران و اجتماع دارد. افرادی که یک مسئولیت را قبول می‌کنند، کارهای خود را به موقع و با تمام تلاش انجام می‌دهند و در هر صورتی که در کار خود اشتباه می‌کنند با تمام سعی خود در اصلاح آن می‌کوشند. مسئولیت‌پذیر بودن شهروندان یک جامعه از ویژگی‌های مثبت آن جامعه محسوب می‌شود (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴). با توجه به وسعت کاربرد مفهوم مسئولیت‌پذیری در ابعاد دینی، سیاسی، اجتماعی و... در این تحقیق، برای سنجش این مفهوم در بعد زیست‌محیطی از ۸ گویه محقق‌ساخته (با رعایت الزامات ساخت این نوع گویه‌سازی‌ها) در قالب مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم استفاده شده است که دامنه نمرات پاسخگویان بین ۸ تا ۴۰ می‌باشد. برای سنجش این شاخص از سنجه‌هایی نظیر صیانت از محیط‌زیست به‌عنوان ثروت ملی، حفاظت از طبیعت، توجه به مصرف مواد قابل بازیافت و... استفاده شده است.

- **دین‌داری:** عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشند اطلاق می‌شود. دین‌داری یعنی پایبندی دینی و التزام دینی داشتن. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جستجو کرد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۶). تعریف عملیاتی دین‌داری نمره‌ای است

که پاسخگویان از پرسش‌نامه گلاک^۱ و استارک^۲ (۱۹۶۵) به‌دست آورده‌اند. برای سنجش این مفهوم از ۱۲ سؤال در قالب مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، استفاده شده است و همچنین دامنه نمرات از ۱۲ تا ۶۰ می‌باشد. این متغیر با ۱۲ متغیر (جدول شماره ۱) مورد سنجش قرار گرفته است. شاخص دین‌داری با استفاده از سنجه‌هایی نظیر اعتقاد به وجود: خداوند، روز جزا، فرشتگان، شیطان و همچنین اعتقاد و انجام برخی مناسک سنجیده شده است.

- **جامعه‌پذیری:** یکی دیگر از متغیرهای این تحقیق، جامعه‌پذیری زیست‌محیطی است. در تعریف جامعه‌پذیری گفته شده است که جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی موجود در گروه یا محیط خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴). در این تحقیق، جامعه‌پذیری زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. تعریف عملیاتی جامعه‌پذیری نمره‌ای است که پاسخگویان از پرسش‌نامه به‌دست آورده‌اند. برای سنجش این مفهوم از ۶ سؤال در قالب مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم استفاده شده است و همچنین دامنه نمرات از ۶ تا ۳۰ می‌باشد (کاریزر و همکاران، ۱۹۹۹، به نقل از صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). سنجش این متغیر با استفاده از گویه‌های جدول شماره ۲ صورت گرفته است. جامعه‌پذیری زیست‌محیطی با استفاده از سنجه‌هایی مانند بحث از محیط‌زیست در خانواده، رویکرد خانواده نسبت به تخریب محیط‌زیست، توجه رسانه‌ها به محیط‌زیست، اهمیت نظری و عملی محیط‌زیست در آموزش‌های مدرسه‌ای سنجیده شده است.

- **آگاهی:** از نظر مفهومی، آگاهی زیست‌محیطی یعنی میزان اطلاعات فرد در مورد مسائل زیست‌محیطی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت از چگونگی رفتار جهت بهبود معضلات آن (کاریزر و همکاران، ۱۹۹۹، به نقل از صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۰: ۱۳۰). تعریف عملیاتی این نوع آگاهی نمره‌ای است که پاسخگویان از پرسش‌نامه هوشمندان مقدم، اخبار، شمس (۱۳۹۵) به‌دست آورده‌اند. برای سنجش این مفهوم از ۱۳ سؤال در قالب مقیاس رتبه‌ای و طیف لیکرت ۵

1. Glock

2. Stark

نقطه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، استفاده شده است و همچنین دامنه نمرات از ۱۳ تا ۶۵ می‌باشد. برای سنجش آگاهی زیست‌محیطی از سنجش‌های آگاهی از نقش محیط‌زیست در زندگی انسان، اهمیت استفاده از انرژی‌های تجدیدشونده، اثرات تخریب محیط‌زیست بر زندگی انسان و فوائد استفاده از مواد قابل بازیافت استفاده شده است.

یافته‌ها

به لحاظ سنی، از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو بیشترین تعداد پاسخگویان (۵۶/۵ درصد) در گروه سنی (۱۸ تا ۲۹ سال) یعنی جوانان و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی (۵۰ سال و بیشتر) قرار گرفتند. از لحاظ جنسیت نیز (۵۰/۵ درصد) از تعداد پاسخگویان را مردان و (۴۹/۵ درصد) از تعداد پاسخگویان را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین جمعیت نمونه از این جنبه در دو گروه زنان و مردان به هم شبیه بودند. از نظر وضعیت تأهل نیز از مجموع تعداد پاسخگویان (۵۷/۷ درصد) مجرد و (۴۳/۳ درصد) متأهل بودند. بیشترین تعداد پاسخگویان (۴۲/۲ درصد) سطح تحصیلات خود را دیپلم و کمترین تعداد (۹/۸ درصد) تحصیلات خود را کارشناسی ارشد و بالاتر اظهار کردند. وضعیت مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی حدود نیمی از پاسخگویان (۴۹/۲ درصد) در حد متوسط بود، مسئولیت‌پذیری ۲۴/۳ درصد از پاسخگویان در حد پایین بود. مسئولیت‌پذیری ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان در حد بالا بود. بنابراین می‌توان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در نمونه مورد مطالعه را در حد متوسط دانست. وضعیت دین‌داری ۴۵/۵ درصد پاسخگویان بالا و دین‌داری ۱۷ درصد پاسخگویان نیز پایین ارزیابی شد. همچنین وضعیت دین‌داری ۳۷/۵ درصد از پاسخگویان نیز متوسط ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری زیست‌محیطی ۳۷/۸ درصد از پاسخگویان پایین و ۲۷ درصد از پاسخگویان جامعه‌پذیری زیست‌محیطی بالایی داشتند. جامعه‌پذیری زیست‌محیطی ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان نیز متوسط ارزیابی شد. بنابراین میزان جامعه‌پذیری زیست‌محیطی در نمونه مورد مطالعه در حد متوسط ارزیابی شد.

نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون میان متغیرهای سن و میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی نشان می‌دهد که سطح معناداری برابر با ۰/۰۱۰ و ضریب پیرسون

برابر با ۰/۱۲۹ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که میان دو متغیر فوق رابطه مثبت و معنادار وجود دارد به گونه‌ای که با افزایش سن، میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی شهروندان نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱: رابطه بین سن و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن	۰/۱۲۹	۰/۰۱۰

برای بررسی تفاوت معناداری میانگین مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی بین مردان و زنان از آزمون T مستقل استفاده شده است. جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که مقدار T برابر با ۳/۳۳۴- و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. پس می‌توان گفت که میان جنس پاسخگویان و میزان مسئولیت‌پذیری آنان تفاوت معناداری وجود دارد. به این صورت که زنان با میانگین ۱۳/۷۵۷۶ مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی بیشتری نسبت به مردان با میانگین ۱۲/۶۴۴۰ دارند.

جدول شماره ۲: رابطه بین جنس و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

جنس	فراوانی	میانگین	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۲۰۲	۱۲/۶۴۴۰	۳/۳۳۴-	۰/۰۰۰
زن	۱۹۸	۱۳/۷۵۷۶		

برای سنجش رابطه بین وضعیت تأهل و میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی از آزمون T مستقل استفاده شده است. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که با توجه به این که سطح معناداری (۰/۵۹) از ۰/۰۵ بیشتر است، بنابراین فرض معناداری وضعیت تأهل و مسئولیت‌پذیری زیست-محیطی تأیید نمی‌شود. به عبارت دیگر، اندک تفاوت در میانگین بین گروه‌های مجرد و متأهل نشان‌دهنده تفاوت معنادار آنها در میزان مسئولیت‌پذیری نیست بلکه می‌تواند ناشی از خطای میانگین باشد.

جدول شماره ۳: رابطه بین وضعیت تأهل و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	مقدار T	سطح معناداری
مجرد	۲۳۱	۱۳/۳۷۶۶	۱/۳۵۱	۰/۰۵۹
متاهل	۱۶۹	۱۲/۸۹۹۴		

برای آزمون رابطه بین سطح تحصیلات و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که با توجه به اینکه سطح معناداری (۰/۰۰۱) است، پس میان سطح تحصیلات و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که گروه زیر دیپلم با میانگین (۱۱/۹۱۲۳) دارای کمترین مقدار مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست و گروه کارشناسی ارشد و دکترا با میانگین (۱۴/۴۶۱۵) دارای بیشترین میزان مسئولیت‌پذیری در مواجهه با محیط‌زیست در بین سطوح مختلف تحصیلی، می‌باشند. بنابراین، با افزایش سطح تحصیلات میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۴: رابطه بین سطح تحصیلات و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

وضعیت تحصیلی	فراوانی	میانگین	F	سطح معنا داری
زیر دیپلم	۵۷	۱۱/۹۱۲۳	۶/۰۳۱	۰/۰۰۱
دیپلم	۱۶۹	۱۲/۸۶۳۹		
کاردانی و کارشناسی	۱۳۵	۱۳/۷۲۵۹		
کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۹	۱۴/۴۶۱۵		

برای سنجش رابطه دین‌داری با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، سطح معناداری رابطه دو متغیر فوق (۰/۰۰۰) است. پس می‌توان گفت بین دو متغیر مورد آزمون رابطه وجود دارد. ضریب پیرسون در جدول زیر نیز نشان می‌دهد که شدت رابطه بین دو متغیر مثبت است، یعنی با افزایش هر متغیر، دیگری نیز افزایش می‌یابد. درنهایت، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که دین‌داری، به عنوان متغیر مستقل آزمون، روی متغیر وابسته یا همان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی تأثیرگذار است و با افزایش دین‌داری میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۵: رابطه بین دین‌داری و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنا درای
دین‌داری	۰/۶۲۲	۰/۰۰۰

برای آزمون رابطه بین جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و ضریب پیرسون (۰/۵۳۴) میان جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه وجود دارد. رابطه بین دو متغیر نیز مستقیم است یعنی با افزایش جامعه‌پذیری زیست-محیطی، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۶: رابطه بین جامعه‌پذیری زیست‌محیطی با مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
جامعه‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۵۳۴	۰/۰۰۰

برای آزمون رابطه بین آگاهی زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری (۰/۰۱۲) و ضریب پیرسون (۰/۱۹۲) میان آگاهی زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه مثبت وجود دارد. رابطه بین دو متغیر نیز مستقیم است و با افزایش آگاهی زیست‌محیطی، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۷: همبستگی بین آگاهی زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
آگاهی زیست‌محیطی	۰/۱۹۲	۰/۰۱۲

برای سنجش میزان تأثیرات مجموع متغیرهای مستقل سن، جنس، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، دین‌داری و جامعه‌پذیری زیست‌محیطی بر متغیر وابسته (میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی) و تبیین واریانس میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی پاسخگویان توسط متغیر-های مستقل، از تحلیل رگرسیون چند متغیره گام‌به‌گام استفاده شده است. متغیرهای وارد شده در تحلیل رگرسیون چندمتغیره همگی در سطح فاصله‌ای هستند، به همین دلیل، متغیرهای مستقلی نظیر جنسیت و وضعیت تأهل، که در سطح اسمی بودند، به‌صورت مجازی و تصنعی، به متغیر فاصله‌ای تبدیل شدند.

مرحله اول: نتایج حاصل از جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده متغیرهای وارد شده، قوی‌ترین متغیر پیش‌بینی کننده در میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی شهروندان شهر یاسوج، متغیر دین‌داری با ضریب تعیین تعدیل شده ($R^2_{adj} = 0/385$) است. این متغیر به تنهایی ۳۸/۵ درصد از واریانس میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی مطلوب را تبیین نموده است. همچنین مقدار ($Beta = 0/622$) نشان می‌دهد که با افزایش یک واحدی دین‌داری، ۰/۶۲۲ به نمره مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی افزوده می‌شود.

مرحله دوم: در این مرحله، متغیر جامعه‌پذیری زیست‌محیطی وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده این متغیر برابر است با ($R^2_{adj} = 0/496$) که نشان می‌دهد با وارد کردن این متغیر، مجموع این دو متغیر، که بیشترین تأثیرگذاری را دارند، به مقدار ۴۹/۸ درصد در تبیین واریانس میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی شهروندان می‌رسد.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره عوامل مؤثر بر میزان مسئولیت‌پذیری

زیست‌محیطی

مرحله	نام متغیر	R	R^2	R^2_{adj}	B	Beta	T	Sig
اول	دین‌داری	۰/۶۲۲	۰/۳۸۷	۰/۳۸۵	۴/۱۵۹	۰/۶۲۲	۱۵/۸۴۱	۰/۰۰۰
دوم	جامعه‌پذیری زیست‌محیطی	۰/۷۰۶	۰/۴۹۸	۰/۴۹۶	۰/۵۳۵	۰/۳۵۷	۹/۳۹۳	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به هدف و سؤال اصلی پژوهش یعنی میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان یاسوجی نسبت به محیط‌زیست، نتایج به دست آمده نشان داد که مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی در شهر یاسوج در سطح متوسط است. نتایج مربوط به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته یا همان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی شهروندان در ذیل به تفصیل بیان شده است.

۱. در بررسی فرضیه رابطه بین دین‌داری و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، نتایج پژوهش نشان داد که میان دین‌داری و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه مثبت و معنادار برقرار است، به گونه‌ای که با افزایش دین‌داری میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی نیز افزایش پیدا می‌کند.

نتایج حاصل از رابطه معنادار میان دو متغیر فوق با نظریه گیدنز، که معتقد است پر رنگ کردن روش‌ها و سفارشات دینی همچنین راه‌های سنتی و قدیمی در مورد حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند تأثیر به‌سزایی در حفظ و حراست و پایداری آن داشته باشد و رفتارهای زیست‌محیطی مناسبی را در پی داشته باشد و نظریات دورکیم که به‌ضرورت اصلاحات اخلاقی در جامعه عقیده و اذعان داشت و معتقد بود که یکی از عوامل بازدارنده شهوات بشری (تخریب محیط-زیست) پررنگ کردن اصول اخلاقی ازجمله دین در جامعه است همخوانی دارد. نتایج این تحقیق نیز با تحقیق کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) که نشان می‌داد میان دین‌داری و احساسات زیست‌محیطی رابطه معنادار وجود دارد و همچنین با تحقیق نبوی و شهریاری (۱۳۹۳) که نشان داد میان دین‌داری و حفظ محیط‌زیست رابطه برقرار است، همخوانی دارد.

۲. در بررسی فرضیه رابطه بین جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، نتایج پژوهش نشان داد که میان جامعه‌پذیری زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی رابطه مثبت و معنادار برقرار است. به این صورت که افزایش جامعه‌پذیری زیست‌محیطی افزایش میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی را در پی دارد و برعکس. نتایج این پژوهش با تحقیق کلانتری و همکاران (۱۳۹۴)، که نشان دادند بین جامعه‌پذیری و تعلق‌مندی به محیط‌زیست رابطه وجود دارد، همخوانی دارد. نتایج این تحقیق خود نشان‌دهنده سهم بالای متغیر جامعه‌پذیری در تبیین واریانس متغیر وابسته یا همان میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی شهروندان است. کاملاً قابل درک است که جامعه‌پذیری و نهادینه‌سازی، که خود از طریق سازوکارهای متنوعی محقق می‌شود و یکی از محورهای فرهنگی و اجتماعی اصلی در تعیین نوع برخورد هر شهروند با مسائلی است که با آن روبه‌رو می‌شود، می‌تواند جایگاه بسیار مهمی در کاهش تضادهای گوناگون در جامعه ازجمله در مبحث برخورد انسان با محیط‌زیست باشد. بنابراین به‌نظر می‌رسد چنانچه آمارهای توصیفی نشان از سطح پایین جامعه‌پذیری زیست‌محیطی در جامعه هدف داشت و همچنین آمارهای استنباطی حاکی از نقش بسیار مهم این متغیر در نیل به رفتار مسئولانه در برخورد با محیط‌زیست داشت، توجه جدی به این مقوله نیازمند برنامه‌ریزی و تلاش نهادها و متولیان هنجارساز (ازجمله خانواده، نهادهای آموزشی، نهادهای فرهنگی، دولت و...) در جامعه برای افزایش جامعه‌پذیری و هنجارسازی زیست‌محیطی مطلوب است.

۳. در بررسی فرضیه رابطه بین آگاهی زیست‌محیطی و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، نتایج نشان داد که بین دو متغیر آگاهی و مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین با افزایش آگاهی زیست‌محیطی شهروندان، مسئولیت‌پذیری آنان نیز افزایش می‌یابد. نتایج این آزمون با دیدگاه پالمر که معتقد است آگاهی با ایجاد الگوهای زندگی پایدار و بهره‌برداری توأم با مراقبت از این سیاره و منابع آن سر و کار دارد و آگاهی زیست‌محیطی سبب شکل‌گیری اخلاقیات مطلوب زیست‌محیطی می‌شود و همچنین دیدگاه فیتکو و کسل که معتقدند آموزش و آگاهی زیست‌محیطی سبب شکل‌گیری نگرش زیست‌محیطی می‌گردد که خود منجر به بروز رفتار زیست‌محیطی مطلوب می‌شود و همچنین نظریه کنش معقولانه ایزن و فیشباین که آگاهی را لازمه هر نگرش می‌داند و نیز مدل مورد نظر هاینس و همکارانش، که دانش و آگاهی زیست‌محیطی را از متغیرهای پیش‌نیاز رفتار مسئولانه می‌دانند، همخوانی دارد. نتایج این پژوهش همچنین با تحقیقات پیشین احمدیان و حقیقتیان (۱۳۹۵) که نشان دادند بین آگاهی زیست‌محیطی و رفتار زیست‌محیطی شهری رابطه وجود دارد و ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۲)، که نشان دادند میان آموزش و آگاهی مناسب با حفظ محیط‌زیست رابطه وجود دارد، همخوانی دارد. به‌نظر می‌رسد اصلاح رفتار افراد در برخورد با مسائل گوناگون مستلزم آگاهی‌بخشی به آنان است. بنابراین، انتظار داشتن رفتار مطلوب زیست‌محیطی از شهروندان مستلزم این است که شهروندان در فرایند جامعه‌پذیری، که از سنین کودکی آغاز می‌شود، نسبت به اهمیت محیط‌زیست آگاه شوند و در طی زمان، حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یک ارزش در آنها درونی شود. به‌عبارت دیگر، شکل‌گیری احساس مسئولیت نسبت به محیط‌زیست فرایندی طولانی مدت است که طی آن افراد می‌آموزند که محیط‌زیست در زندگی آنها نقش حیاتی دارد و محافظت از آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. ازاین‌رو نمی‌توان از شهروندان انتظار رفتار مسئولانه داشت، درحالی‌که نهادهای متولی جامعه‌پذیری به‌درستی نقش خود را در این خصوص ایفا ننمایند.

۴. در بررسی فرضیه معناداری متغیرهای زمینه‌ای و میزان مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، نتایج پژوهش نشان داد که میان برخی متغیرها (سن، جنس و سطح تحصیلات، تأهل و...) با متغیر مسئولیت‌پذیری تفاوت‌های معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که با افزایش سن، افزایش سطح تحصیلات و همچنین بین زنان و مردان، میزان مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست

افزایش می‌یابد. این نتایج با تحقیقات پناه (۱۳۹۴)، که معناداری چنین متغیرهایی با میزان مسئولیت‌پذیری را نشان داد، همخوانی دارد.

یافته‌های توصیفی و تحلیلی مورد بررسی در این پژوهش نشان داد رفتار مسئولانه نسبت به محیط‌زیست مستلزم نگاه بلندمدت و فرایندی به محیط‌زیست در راستای نهادینه کردن برخی نگرش‌ها و رفتارهای شهروندان است. مهم‌ترین نکته در این زمینه توجه به نقش عاملان جامعه‌پذیری است. خانواده، مدرسه و رسانه به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در نهادینه کردن مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط‌زیست ایفا نمایند. همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان داد، کسانی که تحت‌تأثیر نهادهای جامعه‌پذیری به نقش و اهمیت محیط‌زیست در جامعه پی برده بودند، و به‌عبارتی جامعه‌پذیر شده بودند، رفتار مسئولانه‌تری نسبت به محیط‌زیست داشتند. بنابراین به‌نظر می‌رسد با توجه به اهمیت و جایگاه محیط‌زیست در زندگی انسان، در صورت با‌زاندیشی این نهادها در نقش و عملکرد خود نسبت به محیط‌زیست و توجه جدی‌تر به فرایند جامعه‌پذیری زیست‌محیطی، می‌توان در آینده شاهد رفتارهای مسئولانه‌تر شهروندان نسبت به محیط‌زیست بود. نکته دیگر درخصوص نتایج پژوهش مربوط به نقش آگاهی از اهمیت و نقش محیط‌زیست در زندگی انسان و همچنین رفتارهای مخاطره‌آمیز انسان نسبت به محیط‌زیست است. بسیاری از رفتارهایی که منجر به آسیب رساندن نسبت به محیط زیست است ناشی از کمبود یا نبود آگاهی است. قطع درختان، تغییر کاربری و فرسایش خاک، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و... علاوه‌بر وجود روحیه منفعت‌طلبی، ناشی از نا-آگاهی از اثرات و پیامدهای چنین رفتارهایی است. به‌نظر می‌رسد نقش و جایگاه آموزش و رسانه‌ها در این خصوص حائز اهمیت است. اگر شهروندان به‌صورت منظم و هدفمند در معرض پیام‌هایی قرار گیرند، که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، نتایج رفتارهای اینچنینی را برای جامعه به تصویر کشد، انتظار تغییر رفتار شهروندان دور از انتظار نخواهد بود. بی‌توجهی و ضعف چنین اقداماتی در جامعه مورد مطالعه مشهود است. پیام‌ها به‌صورت مناسبی، فصلی و سلیقه‌ای و بارقه‌ای ظاهر و سپس محو می‌شوند. بنابراین متولیان محیط‌زیست که به‌صورت رسمی، شامل سازمان حفاظت محیط‌زیست، شهرداری، سازمان جنگل‌ها و... می‌شوند ضرورت دارد نسبت به آگاه ساختن شهروندان اقدامات مداوم و اثرگذار در این زمینه انجام دهند.

همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان داد، دین‌داران در مواجهه با محیط‌زیست رفتار مسئولانه‌تری داشتند. وجود ظرفیت‌های نهاد دین در جامعه فرصت مغتنم و مناسبی در راستای کمک به فرایند جامعه‌پذیری زیست‌محیطی است. شبکه‌ها و زیرساخت‌های موجود شامل مساجد، کانون‌ها، تربیون‌های نماز جمعه و امثال آن ظرفیت‌های فراوانی برای حمایت از محیط‌زیست و تغییر رفتار شهروندان دارند. به‌نظر می‌رسد اگر از این ظرفیت‌ها به‌صورت کارشناسانه استفاده شود، امکان تغییر نگرش و رفتارهای مسئولانه در بین شهروندان بیشتر خواهد شد. بنابراین، توجه به ظرفیت‌های نهاد دین به لحاظ شکل و محتوا می‌تواند در بهبود وضعیت محیط‌زیست و شکل دادن به نگرش و رفتار مسئولانه شهروندان نسبت به محیط-زیست مؤثر باشد.

منابع

- 0 احمدیان، داریوش و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست محیطی. *سالنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ششم، شماره هجدهم: ۷۶-۵۱.
- 0 ادهمی، عبدالرضا و اکبرزاده، الهام (۱۳۹۲). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران. *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، سال اول، شماره ۱: ۳۷-۶۲.
- 0 ازدری، افسون (۱۳۸۲). توسعه فرهنگی و محیط زیست. *فصلنامه علمی سازمان محیط‌زیست*، شماره ۳۹: ۲۸-۲۷.
- 0 بادیار، محمد و قاسمی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر احساس مسئولیت نسبت به محیط‌زیست. *دومین همایش ملی حفاظت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست*.
- 0 باصره، نادیا و محمدی‌زاده، ماریا (۱۳۹۲). آگاهی، نگرش و رفتار زیست‌محیطی در جهت توسعه پایدار. *سومین همایش سلامت محیط‌زیست و توسعه پایدار*، بندر عباس.
- 0 پالمر، جوی (۱۳۹۰). *آموزش محیط‌زیست در قرن بیست‌ویکم*. ترجمه: دکتر علی محمد خورشید دوست. تهران: نشر سمت.
- 0 پناه، نرگس (۱۳۹۴). *بررسی رابطه نگرش به محیط زیست و مسئولیت‌پذیری با تفکیک زباله‌های خانگی در بین بانوان متأهل شهرهای شیراز و یاسوج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.

- 0 دبیر سیاقی، منوچهر (۱۳۸۳). بحران محیط‌زیست. قم: انتشارات حدیث امروز.
- 0 توسلی، غلامعباس و حسینی نجاتی، سید محمود (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۸: ۲۵-۴۴.
- 0 تومه، ژرژ (۱۳۸۰). توسعه فرهنگی و محیط زیست. ترجمه: محمد شارع‌پور. تهران: غزال (باز).
- 0 رحیمی، محسن و دشتی موخر، سمانه (۱۳۹۲). بررسی نقش مشارکت شهروندان در حفاظت محیط‌زیست شهری (نمونه موردی: شهر تهران). اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار.
- 0 رستگار، احمد و بیرقدار، علی مهدی (۱۳۹۴). بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رفتارهای زیست محیطی در حفاظت از محیط زیست. سومین همایش ملی پژوهش های محیط زیست و کشاورزی ایران.
- 0 ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- 0 سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- 0 شبیری، محمد؛ شمسی، زهرا و ابراهیمی، هادی (۱۳۹۲). اثرات اجرای برنامه‌های آموزش زیست‌محیطی بر طبیعت‌گردی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مدارس لنگرود). مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال دوم، شماره ۷: ۱۶۲-۱۴۸.
- 0 شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱: ۳۴-۶۶.
- 0 صالحی، صادق و امام‌قلی، لقمان (۱۳۹۱). سرمایه فرهنگی و رفتار زیست‌محیطی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۳۸: ۹۱-۱۲۰.
- 0 صالحی، صادق؛ پازوکی‌نژاد، زهرا (۱۳۹۳). بررسی نگرش و رفتار مسئولانه دانشجویان نسبت به محیط زیست. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۵، شماره ۳: ۷۱-۸۸.
- 0 ضیاپور، آرش؛ کیانی‌پور، ندا و نیک‌بخت، محمدرضا (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی محیط‌زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه. فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، سال اول، شماره ۲: ۶۷-۵۵.

- 0 طباطبایی، نفیسه و همکاران (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر تهران. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۲، شماره ۴۴: ۴۴ تا ۲۸.
- 0 عبداللّهی، عظیمه السادات (۱۳۸۳). بررسی آگاهی، نگرش و رفتار زیست‌محیطی شهروندان/اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی دهاقان.
- 0 فروتن‌کیا، شهرز؛ نواح، عبد الرضا (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی محیط‌زیست. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- 0 قلندری، ایمان؛ تقوایی، علی‌اکبر و کامیار، مریم (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی رابطه انسان و محیط‌زیست در تفکر توسعه پایدار و توسعه اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های معماری/اسلامی، شماره دهم: ۷۸-۶۲.
- 0 کلانتری، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تعلق‌مندی نسبت به محیط زیست. جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲: ۱۶-۱.
- 0 نبوی، عبدالحسین؛ شهریاری، مرضیه (۱۳۹۳). دین، اخلاق و محیط زیست. فصلنامه انسان و محیط‌زیست، شماره ۲۹: ۸۴-۶۹.
- 0 وکیل‌حیدری، ساریان (۱۳۹۸). مطالعه و تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر در بهبود رفتارهای معطوف به حفظ محیط‌زیست روستایی. جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲: ۶۴-۴۷.
- 0 هانیگان، جان (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی محیط‌زیست. ترجمه: موسی عنبری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 0 Barr, S. (2007). Factors Influencing Environment Attitudes and Behaviors: A U.K. Case Study of - Household Waste Management. *Journal of Environment and Behavior*, 4 (39): 435-473.
- 0 Gebert, A.(2014). Recycling in Dubrovnik: Discrepancies between attitudes, knowledge and behavior, *RIThink*, V. 4: 25-29.
- 0 Barry, J. (2009). *Environment and social theory* (2nd Ed.). London and New York: Routledge.
- 0 Budruk, M.; Thomas, H.; Tyrrell, T. (2012). Urban Green Spaces: A Study of Place Attachment and Environmental Attitudes in India. *Society and Natural Resources: An International Journal*, 5 (12): 25-65.
- 0 Fridgen, C. (1994). Human Disposition toward Hazards: Testing the Environmental Appraisal Inventory. *Journal of Environmental Psychology*, 14: 101-11.
- 0 Heberlein, T.A. (2012). *Environmental Attitudes*. Oxford: university press.
- 0 Karp Gutierrez, D (1996). Values and their effects on pro-environmental behavior. *Environment and behavior*, 29(1): 111-133.
- 0 Krosnick, J. A.; Holbrook, A. L.; Visser, P.S. (2000). The Impact of the fall 1997 Debate about Global Warming on American Public Opinion. *Public Understanding of Science*, 9(3): 239-260

- 0 Parsons, H, L(1977). Marx and Engels on Ecology, Westport, CT: Greenwood Press
- 0 Seriousness of an Environmental Loss is a Matter of what caused it. *Journal of Environmental Psychology*. 25(1): 13-21.
- 0 Sternp, C.; Dietz, T.; Guagnano, G. (1995). The new Ecological paradigm in social psychological contet. *Journal of Environmental and Behavior*: 27(6):. 723-743.
- 0 Yildiz, N.; Yilmaz, H.; Demir, M.; Toy, S. (2011). Effects of Personal Characteristics on Environmental Awareness; A Questionnaire Survey with University Campus People in A Developing Country, Turkey”. *Scientific Research and Essays*, 6(2): 332-340.
- 0 Sutton, P. (2007). *The Environment: A Sociological Introduction*. Cambridge: Polity Press.

